

# اشارات

دست ابزار

## شاعران

گفتگو با دکتر سیروس شمیسا  
به مناسبت انتشار فرهنگ اشارات

جلد اول: پیشدایان) تألیف دکتر مهین دخت صدیقیان، فرهنگ تلمیحات در شعر معاصر تألیف دکتر محمد حسین محمدی منتشر شده است. به تازگی "فرهنگ اشارات" نوشته دکتر سیروس شمیسا منتشر شده است که دنباله فرهنگ تلمیحات می باشد. به بهانه انتشار فرهنگ اشارات گفتگویی با دکتر شمیسا داشته ایم که حاصل آن را می خوانید.

فرهنگ تلمیحات و اشارات از جمله فرهنگهای موضوعی (و تخصصی) در زمینه ادبیات فارسی است. در این زمینه تاکنون آثاری مانند: فرهنگ تلمیحات تألیف دکتر سیروس شمیسا، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی تألیف دکتر محمد جعفر یاحقی، فرهنگ اساطیری - حماسی ایران (به روایت منابع بعد از اسلام،

● چطور شد که به تألیف فرهنگ اشارات پرداختید.

○ از دوران دانشجویی عادت کرده بودم که اشارات و تلمیحاتی را که در متون نظم و نثر می بینم یادداشت کنم و بدین ترتیب بعد از طی سالیان دراز، دو کتاب فرهنگ تلمیحات و فرهنگ اشارات تألیف شد.

● تلمیحات و اشاراتی که در شعر و نثر فارسی به کار می روند به دو دسته تلمیحات ایرانی و تلمیحات اسلامی تقسیم می شوند درباره ویژگی های این دو دوره توضیح دهید و چه اشتراکاتی با هم دارند؟

○ در آثار نخستین ادبیات فارسی تا قرن پنجم تلمیحات ایرانی حضور چشمگیری دارد و از قرن ششم تحت الشعاع تلمیحات اسلامی قرار می گیرد و این طبیعی است زیرا آشنایی شاعران و نویسندگان با معارف اسلامی بیشتر می شود. البته تلمیحات ایرانی هیچگاه از بین نمی رود و این عمده به یمن حضور شاهنامه در طول تاریخ فرهنگ ایران است.

● از نظر تاریخی، تلمیح در آثار شاعران دوره ساسانی و اوایل دوره غزنوی، همچون رودکی، شهید بلخی، دقیقی و فردوسی، بیشتر مربوط به تلمیحات ایرانی - و اغلب مربوط به آیین زرتشتی - بوده است، اما با رشد و گسترش فرهنگ اسلامی در ایران، دامنه تلمیحات بکار رفته در آثار شاعران و نویسندگان، به سوی قصص اسلامی بیشتر شده است، در چه دوره ای، اشاره به فرهنگ اسلامی بیشتر به چشم می خورد و در آثار چه شاعران و نویسندگانی؟

◀ در آثار نخستین ادبیات فارسی تا قرن پنجم

تلمیحات ایرانی حضور چشمگیری دارد و از قرن ششم

تحت الشعاع تلمیحات اسلامی قرار

می گیرد.

◀ تلمیحات ایرانی هیچگاه از بین نمی رود و این

عمده به یمن حضور شاهنامه در طول

تاریخ فرهنگ ایران است.



◀ اهمیت فرهنگ اشارات به مراتب از فرهنگ تلمیحات بیشتر است، چون مطالب مربوط به رجال را با کمی زحمت می‌توان در کتب تاریخی و تفسیری و فرهنگ لغات و امثال اینها یافت، اما مطالب فرهنگ اشارات عمده با تعمق در شواهد شعری و نثری جمع‌آوری شده و در بسیاری از موارد نمی‌توان آن‌ها را در منابع و مآخذی یافت.

○ چنان‌که عرض کردم توجه جدی به تلمیحات اسلامی از قرن ششم به بعد است و لذا در آثار شاعران و نویسندگان قرن ششم از قبیل خاقانی و نظامی و انوری و بسیاری دیگر تلمیحات اسلامی و اشاره به علوم اسلامی به وفور دیده می‌شود و البته به تلمیحات ایرانی هم توجه دارند. از همین قرن اندک اندک عرفان هم در ادبیات فارسی مطرح می‌شود که طبعاً پیر از مباحث قرآنی و روایی است، مثلاً آثار مولانا در قرن هفتم گنجینه‌یی از اشارات و تلمیحات اسلامی است. تا قرن نهم کم و بیش چنین است. در دوره سبک‌های شاعران و نویسندگان آن پایه و مایه و لذا آن احاطه کامل را به علوم اسلامی ندارند و اساساً سبک عوض شده و اظهار فضل جزو اهداف شاعران نیست. اما در زمینه اشارات، سبک‌های هندی وضع خاص خودش را دارد و اشارات تازه‌یی در ادبیات پیدا می‌شود. در دوره بازگشت شاعرانی که به اسلوب عهد سامانی و غزنوی شعر می‌گویند، طبعاً شعر ایشان متعادل است، اما شاعرانی هستند که به اسلوب عهد سلجوقی سخن می‌گویند و لذا به تلمیحات و اشارات اسلامی توجه خاصی دارند. جالب است که در قانیه که مرد فاضلی بوده علاوه بر تلمیحات و اشارات اسلامی، توجه شدیدی به تلمیحات ایرانی است و این می‌رساند که با شاهنامه مانوسی بوده است و البته سرمشق او در این زمینه، شاعر گمنام اما استادی به نام صحبت لاری بوده است.

● چه شاعران و نویسندگانی بیشترین و مؤثرترین اشارات و تلمیحات را در آثار خود به کار برده‌اند  
○ به طور کلی می‌توان گفت که شاعران و نویسندگان قرن ششم مثل خاقانی و نظامی و انوری و بعد نویسندگان نثر فنی مثل نصرالله منشی و وروینی و زیدری نسوی و وصاف. در سبک‌های هندی امثال صائب و غالب دهلوی و در دوره بازگشت قانیه.

● آیا فرهنگ اشارات دنباله فرهنگ تلمیحات است؟  
○ به یک اعتبار آری و به یک اعتبار نه! زیرا هر چند تألیف این دو کتاب همزمان بوده است اما هر یک کتاب مستقلی است. فرهنگ تلمیحات مربوط به رجال است: رجال اساطیری، تاریخی، مذهبی. اما در فرهنگ اشارات مباحث اساطیری و مذهبی و تاریخی از قبیل

که دیگر وقت اساتید به توضیح این مطالب بگذرد و می‌توانند مطالب اساسی‌تری را توضیح دهند. در بسیاری از موارد اگر کسی اصل این داستان‌ها و مباحث را نداند اصلاً متوجه مقصود گوینده نمی‌شود. شاعران و نویسندگان بزرگ از تلمیح به عنوان مشبه به استفاده می‌کنند و مشبه یعنی مقصود را خواننده باید دریابد. گاهی با تصرفی که در تلمیح می‌کنند قرینه به دست می‌دهند که مراد آنان صرف اشاره نبوده است، مثلاً حافظ وقتی می‌گوید:

آلای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور

پدر را باز پرس آخر کجا شد مهر فرزندی

قرینه به دست داده است که یوسف مصری کنایه از ممدوح است زیرا سلطنت یوسف مصری را مغرور نکرده بود. یا می‌گوید:

زبان مور بر اصف دراز گشت و رواست

که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نجست

مسلماً اشاره به حادثه‌یی تاریخی است زیرا خاتم جم هر چند یاوه (=گم) شده بود اما سرانجام پیدا شد. در مورد اشارات هم همین طور است و غالباً بدون دانستن ماجرا، هنر شاعر فهمیده نمی‌شود. وقتی حافظ می‌گوید:

مرا و سرو چمن را به خاک راه نشانند

زمانه تا قصب زرکش (نرگس) قبای تو بست

به قول ادبا تشبیه مضمهر و تقضیل را با هم آورده است که سبک حافظ است. یعنی مشبه (معشوق یا ممدوح) را اولاً به سرو تشبیه کرده و ثانیاً مشبه را بر مشبه به ترجیح نهاده است. اما برای فهمیدن این مطالب باید بدانید که قبا گاهی آن قدر تنگ بود که برای بستن دگمه آن باید می‌ایستادند و شکم را تو می‌بردند (مثل پوشیدن بعضی از سلوارهای چین امروزی!). لذا وقتی که معشوق برای پوشیدن قبا بلند می‌شود و می‌ایستد از سرو بلندتر جلوه می‌کند.

یا می‌گوید:

بگشا بند قبا تا بگشاید دل من

که گشادی که مرا بود ز پهلوی تو بویه

باید توجه داشت که بند قبا یعنی دگمه آن در پهلوی بسته می‌شده است.

فایده دیگر فرهنگ اشارات به لحاظ مسائل

نجوم و طب و اعتقادات و امثال این‌ها گرد آمده است و هر جا که موضوع به رجال مربوط می‌شده به فرهنگ تلمیحات ارجاع داده شده است. در اینجا بد نیست اشاره کنم که اهمیت فرهنگ اشارات به مراتب از فرهنگ تلمیحات بیشتر است، چون مطالب مربوط به رجال را با کمی زحمت می‌توان در کتب تاریخی و تفسیری و فرهنگ لغات و امثال اینها یافت، اما مطالب فرهنگ اشارات عمده با تعمق در شواهد شعری و نثری جمع‌آوری شده و در بسیاری از موارد نمی‌توان آن‌ها را در منابع و مآخذی یافت و به هر حال بسیار دیرپای و پزاکنده هستند.

● شما در مقدمه اشاره کرده‌اید که عین همین فرهنگ را البته مختصرتر برای ادبیات عربی فراهم کرده‌اید و آن را «من لا یحضره الادیب» نام نهاده‌اید. درباره این کتاب توضیح دهید و چه موقع منتشر خواهد شد.

○ البته این مطلب را در مقدمه فرهنگ تلمیحات گفته‌ام که در سال ۱۳۵۵ تألیف شد و در ۱۳۶۶ به چاپ رسید. اما در مقدمه فرهنگ اشارات متذکر شدم که دیگر در صدد طبع چنین کتابی نیستم. ماجرا این است که در دوران دانشجویی با کتب نظم و نثر عربی سر و کار داشتم و لذا تلمیحات و اشارات آنها را مانند متون فارسی یادداشت می‌کردم. اما بعدها کم کم از کتب عربی دور شدم و به مقتضای شغلم که معلمی ادبیات فارسی است بیشتر سر و کارم با متون ادب فارسی بوده است. لذا تألیف «من لا یحضره الادیب» ناتمام ماند. امیدوارم دیگران مخصوصاً دانشجویان فاضل و کوشا دنباله این کار را بگیرند. خود عرب‌ها نکرده‌اند. بسیار کتاب مفید و شیرینی خواهد بود. بسیاری از موارد بین ادب فارسی و عربی مشترک است. منتها می‌دانید که این گونه کتب را نمی‌توان تصمیم گرفت و در مدت محدودی تألیف کرد. بلکه یک کسی باید از آغاز، همین طور مداوم در حین مطالعات خود فیش برداری کند و لذا حدود پانزده بیست سالی لازم است تا یادداشت‌ها در حد کتابی شود.

● اصولاً این گونه فرهنگ‌ها چه کمکی به دانشجویان می‌کند.

○ کمک‌های بزرگ و متعددی، نه تنها به دانشجویان بلکه به استادان و محققان. مثلاً لازم نیست

جامعه‌شناسی است، چه به بسیاری از رسوم قدیم در این فرهنگ اشاره شده است مثلاً به مجرد اطلاق اجاره نمی‌دادند! صاحب خانه خودش در طریقه نوم می‌نشست و طبقه اول را اجاره می‌داد. مراسم عزاداری، مراسم کفن و دفن، وضع مکتب خانه‌ها و از این قبیل.

● وقتی به دیوان خاقانی نگاه می‌کنیم فرمی یابیم که اشارات مسیحی در آثار خاقانی، شعر او را از حیث نوع تلمیح، در میان سایر شاعران شاخص کرده است. آیا در این باره در فرهنگ اشارات به آن پرداخته‌اید و چرا خاقانی از این نوع تلمیح بیشتر استفاده کرده است.

○ به تلمیحات مسیحی در فرهنگ تلمیحات آمده است. اتفاقاً خاقانی در زمینه اشاره به طب و نجوم و فولکلور و آداب و رسوم هم بسیار غنی است که در فرهنگ اشارات حتی المقدور جمع‌آوری شده است. اما این که سؤال فرمودید چرا تلمیحات مسیحی در شعر خاقانی زیاد است باید عرض کنم که منطقه اژان یعنی بالای رود ارس (به منطقه پائین رود ارس آذربایجان می‌گفتند) همجوار با ارمنستان و امپراطوری روم شرقی بود که مسیحی بودند و لذا شاعران منطقه اژان با مسیحیت آشنا بودند. البته مسیحیت کلیسای شرقی با مسیحیت کلیسای غربی فرق‌های جالبی دارد که در مطاوی متون ادب فارسی به صورت اشاره، پراکنده است. در مورد خاقانی باید توجه داشت که مادرش یک زن مسیحی بود که بعداً مسلمان شد و او بی‌شک مسائلی از مسیحیت را به پسرش منتقل کرده بود.

● چرا در دوره مشروطیت گرایش به تلمیح کمتر دیده می‌شود آیا گرایش به ادبیات مردمی - که می‌بایست از زبانی ساده برخوردار باشد - علت آن است.

○ یکی از علل مهم همین است که گفتید. البته برخی از شاعران این دوره اصولاً آن احاطه و مایه را هم شاید نداشتند. اما مسأله مهم این است که ادبیات دوره مشروطه، ادبیات کاربردی است که هدف آن تماس با توده مردم و انتقال صریح مطلب بوده است. در تعریف بلاغت گفته‌اند که سخن گفتن به مقتضای حال مخاطب است. مخاطب توده مردم بودند که باید برای انقلاب آماده می‌شدند. حتی شاعران فاضلی هم که می‌توانستند از انواع تلمیح و اشاره و فنون ادبی استفاده کنند، در این میدان فداکاری کردند و از این امور به نفع روشن کردن مردم گذشتند.

● در فرهنگ اشارات به تلمیحاتی که در شعر نو بکار رفته است کمتر اشاره شده است. آیا درباره تلمیحات در شعر نو جداگانه تحقیق کرده‌اید.

○ فهم تلمیحات شعر نو زیاد برای مردم عصر ما دشوار نیست. البته هر سبکی تلمیحات خاصی هم دارد از جمله شعر نو. بنای فرهنگ تلمیحات و فرهنگ اشارات هر دو چنان که در مقدمه گفته‌ام بر اختصار بود و به دلایل مختلف از جمله قیمت کتاب ال‌اهم فالاهم کردم و همه یادداشت‌هایی را در این کتاب‌ها نیاوردم. در سال‌های اخیر یکی از شاگردان با ذوق و فاضلم - آقای دکتر محمدی - به همان سبک فرهنگ تلمیحات، تلمیحات شعر نو را جمع‌آوری و منتشر کرد.

● تلمیح چه ارتباطی با اسطوره و اسطوره‌شناسی و رمزپردازی دارد.

○ رابطه بسیار تنگاتنگی، برخی از رجال و موضوعات اساساً اساطیری هستند مثل خورشید بودن جمشید یا آفرینش آسمان از یاقوت و بسیاری هم به نوعی با اسطوره مربوطند.

● درباره تاریخچه اشارات و ویژگیهای آن در هر سبک شعری مانند ادبیات سبک خراسانی توضیح دهید.

○ اشارات در هر سبکی تاریخچه و داستانی دارد. در سبک خراسانی تقریباً ساده و طبیعی و منبعث از زندگی عادی مردمند. در عهد سلجوقی شاعران نوعاً فاضلند و علوم اسلامی و طب و نجوم خوانده‌اند. ابوالفرج رونی در این دوره اشاره به علوم را وارد شعر می‌کند و این اسلوب مورد توجه اکثر شاعران بینابین گوی این دوره قرار می‌گیرد. مخصوصاً انوری راه ابوالفرج را ادامه می‌دهد. این است که به ممدوح می‌گوید:

باد معلومت که این بنده به شعر بوالفرج

تا بدیدستم و نوعی داشتستم بی تمام

سرانجام کار به جایی می‌کشد که اشارات دست ابزار شاعران در ساختن تشبیه و استعاره و مضمون می‌شود. مثلاً حافظ در اشاره به کوچکی دهان معشوق می‌گوید:

بعد از اینم نبود شبیه در جوهر فرد

که دهان تو در این نکته خوش استدلالی است

بر سر اینکه جوهر فرد یا جزء لایتجزی (اتم) را باز هم می‌توان به اجزایی تقسیم کرد یا نه جوهر فرد ریزترین بخش قابل تصور است اختلاف بوده است. شاعر می‌گوید از کوچکی دهان تو - که کوچکتر از آن دیگر ممکن نیست - معلوم می‌شود که جوهر فرد راست است یعنی ذره‌یی که دیگر قابل انقسام نیست.

● آیا در آثار شاعران و شارحان بزرگ اشتباهاتی از جنبه اشارات دیده می‌شود نمونه‌هایی از آن را ذکر کنید.

○ بله، البته در شاعران خیلی کم است زیرا مطابق سنت‌های شعری پیش از خود عمل می‌کردند و با تلمیحات و اشارات و اشعار پیش از خود آشنا بودند. اما با این همه می‌توان نمونه‌هایی را نشان داد. مثلاً نظامی در لیلی و مجنون در رسیدن خزان گوید:

ترگس به جمازه بر نهد رخت

شمشاد درافتد از سر تخت

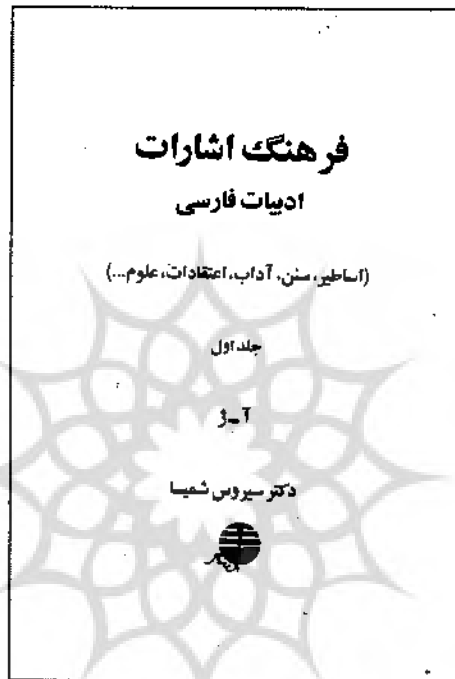
شاعر خیال کرده که ترگس گل بهار و تابستان است که در خزان و زمستان از بین می‌رود و حال آن که برعکس است.

اما در شارحان نمونه‌های متعدد دارد مخصوصاً در شارحان متأخر که گاهی جهت توضیح و تبیین مطلب از خود داستانی می‌ساختند. استاد مرحوم وحید دستگردی در این بیت نظامی:

مجنون چو سحای نامه را دید

جزنامه هر آنچه بود بفرید

سحا را سخا خوانده و شرحی نوشته است که طبعاً صحیح نیست. سخا بندی بود که به دور نامه می‌پیچیدند. □



◀ توجه جدی به تلمیحات اسلامی از قرن ششم به بعد است و لذا در آثار شاعران و نویسندگان قرن ششم از قبیل خاقانی و نظامی و انوری و بسیاری دیگر تلمیحات اسلامی و اشاره به علوم اسلامی به وفور دیده می‌شود و البته به تلمیحات ایرانی هم توجه دارند.